



نگاهی به زندگانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

پدر بزرگوار حضرت عباس(ع) امیرالمؤمنین وصی رسول خدا(ص) در مدینه علم نبوت، اولین ایمان آورنده به پروردگار و مصدق رسولش، همسر دخت پیامبرش، همپایه «هارون» برای «موسی» نزد حضرت ختمی مرتبت، قهرمان اسلام و نخستین مدافع کلمه توحید است که برای گسترش رسالت اسلامی و تحقق اهداف بزرگ آن با نزدیکان و بیگانگان جنگید.

تمام فضیلت‌های دنیا در برابر عظمت او ناچیزند و در فضیلت و عمل، کسی را یارای رقابت با او نیست. مسلمانان به اجماع او را پس از پیامبر اکرم(ص) داناترین، فقیه‌ترین و فرزانه‌ترین کسی می‌دانند. آوازه بزرگیش در همه جهان پیچیده است و دیگر نیازی به تعریف و توصیف ندارد. عباس را همین سرافرازی و سربلندی بس که برخاسته از درخت امامت و برادر دو سبط پیامبر اکرم(ص) است.

مادر گرامی و بزرگوار ابوالفضل العباس(ع) بانوی پاک فاطمه دخت حزام بن خالد است. حزام از استوانه‌های شرافت در میان عرب به شمار می‌رفت و در بخشش، مهمان‌نوازی، دلاوری و رادمردی مشهور بود. خاندان این بانو از خاندان‌های ریشه‌دار و جلیل‌القدر بود که به دلیری و دستگیری معروف بودند. هنگامی که امام امیرالمؤمنین(ع) به سوگ پاره تن و ریحانه پیامبر اکرم(ص) و بانوی زنان عالمیان، فاطمه زهرا(س) نشست، برادرش عقیل را که از عالمان به انساب عرب بود فراخواند و از او خواست برایش همسری برگزیند که زاده دلاوران باشد تا پسر دلیری به عرصه وجود برساند و سالار شهیدان را در کربلا یاری کند. عقیل، بانو ام‌البین از خاندان بنی‌کلاب را که در شجاعت بی‌مانند بود، برای حضرت انتخاب کرد. بنی‌کلاب در شجاعت و دلاوری در میان عرب زبان‌زد بودند. امام این انتخاب را پسندید و عقیل را به خواستگاری نزد پدر ام‌البین فرستاد. پدر خشنود از این وصلت مبارک، نزد دختر شتافت و او با سربلندی و افتخار، پاسخ مثبت داد و پیوندی همیشگی با مولای متقیان، امیرمؤمنان(ع) بست. حضرت در همسرش، خردی نیرومند، ایمانی استوار، آدابی والا و صفاتی نیکو مشاهده کرد و او را گرامی داشت و از صمیم قلب در حفظ او کوشید.

ام‌البین بر آن بود تا جای مادر را در دل نوادگان پیامبر اکرم و ریحانه رسول خدا و آقایان جوانان بهشت، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) پر کند؛ مادری که در اوج شکوفایی پژمرده شد و آتش به جان فرزندان نوپای خود زد. فرزندان رسول خدا در وجود این بانوی پارسا، مادر خود را می‌دیدند و از فقدان مادر، کمتر رنج می‌بردند. ام‌البین فرزندان دخت گرامی پیامبر اکرم(ص) را بر فرزندان خود که نمونه‌های والای کمال بودند مقدم می‌دانست و عمده محبت و علاقه خود را متوجه آنان می‌کرد، لیکن، ام‌البین توجه به فرزندان پیامبر را فریضه‌ای دینی می‌شمرد؛ زیرا خداوند متعال در کتاب خود به محبت آنان دستور داده بود و آنان امانت و ریحانه پیامبر بودند؛ ام‌البین با درک عظمت آنان به خدمتشان قیام کرد و حق آنان را ادا کرد.

محبت بی‌شائبه ام‌البین در حق فرزندان پیامبر و فداکاری‌های فرزندان او در راه سیدالشهدا(ع) بی‌پاسخ نماند، بلکه اهل بیت عصمت و طهارت(ع) در احترام و بزرگداشت آنان کوشیدند و از قدردانی نسبت به آنان چیزی فرو گذار نکردند. رفتن نواده پیامبر اکرم، شریک نهضت حسینی و قلب تپنده قیام حسین، زینب کبری، نزد ام‌البین و تسلیت گفتن شهادت فرزندان برومندش، نشان‌دهنده منزلت والای ام‌البین نزد اهل بیت(ع) است. این بانوی بزرگوار، جایگاهی ویژه نزد مسلمانان دارد و بسیاری معتقدند او را نزد خداوند، منزلتی والاست و اگر درمندی او را واسطه خود نزد حضرت باری تعالی قرار دهد، غم و اندوهش برطرف خواهد شد، لذا به هنگام سختی‌ها و درماندگی این مادر فداکار را شفیع خود قرار می‌دهند، البته بسیار طبیعی است که ام‌البین نزد پروردگار مقرب باشد؛ زیرا در راه خدا و استواری دین حق، فرزندان و پاره‌های جگر خود را خالصانه تقدیم داشت.

نخستین فرزند پاک بانو ام‌البین، علمدار کربلا ابوالفضل العباس(ع) بود که با تولدش، مدینه به گل نشست، دنیا پر فروغ گشت و موج شادی، خاندان علوی را فرا گرفت. قمری تابناک به این خاندان افزوده شده بود و می‌رفت که با فضایل و خون خود، نقشی جاودانه بر صفحه گیتی بنگارد. هنگامی که مزده ولادت عباس به امیرالمؤمنین(ع) داده شد، به خانه شتافت او را در برگرفت، باران بوسه بر او فرو ریخت و مراسم شرعی تولد را درباره او اجرا کرد. برخی از محققان برآنند که حضرت ابوالفضل العباس(ع) در روز چهارم ماه شعبان سال 26 هجری دیده به جهان گشود.

امیرالمؤمنین(ع) از پس پرده‌های غیب، جنگاوری و دلیری فرزند را در عرصه‌های پیکار دریافته بود و می‌دانست که او یکی از قهرمانان اسلام خواهد بود، لذا او را عباس (دزم: شیربیشه) نامید؛ زیرا در برابر کژی‌ها و باطل، ترش‌رو و پر آژنگ بود و در مقابل نیکی، خندان و چهره گشوده. همان‌گونه که پدر دریافته بود، فرزندش در میداین رزم و جنگ‌هایی که به وسیله دشمنان اهل بیت(ع) به وجود می‌آمد، چون شیری خشمگین می‌غرید، گردان و دلیران سپاه کفر را درهم می‌کوفت و در میدان کربلا تمامی سپاه دشمن را دچار هراس مرگ‌آوری کرد.

کنیه‌های حضرت

1- ابوالفضل: از آنجا که حضرت را فرزندی به نام «فضل» بود، او را به «ابوالفضل» کنیه داده بودند. شاعری در سوگ ایشان می‌گوید: «ای ابوالفضل! ای بنیانگذار فضیلت و خویشنداری! «فضیلت» جز تو را به پدری نپذیرفت»

این کنیه با حقیقت وجودی حضرت هماهنگ است و او اگر به فرض فرزندی به نام فضل نداشت، باز به راستی ابوالفضل (منبع فضیلت) بود و سرچشمه جوشان هر

فضیلتی به شمار می‌رفت؛ زیرا در زندگی خود با تمام هستی به دفاع از فضایل و ارزش‌ها پرداخت و خون پاکش را در راه خدا بخشید. حضرت پس از شهادت، پناهگاه دردمندان شد و هر کس با ضمیری صاف او را نزد خداوند شفیع قرار داد، پروردگار رنج و اندوهش را برطرف ساخت.

2- ابوالقاسم: حضرت را فرزند دیگری بود به نام «قاسم»، لذا ایشان را «ابوالقاسم» کنیه داده بودند. برخی از مورخان معتقدند قاسم همراه پدر و در راه دفاع از ریحانه رسول اکرم در سرزمین کربلا به شهادت رسید و پدر، او را در راه خدا فدا کرد.

القاب حضرت

معمولا القاب، ویژگی‌های نیک و بد آدمی را مشخص می‌سازد و هر کس را براساس خصوصیتی که دارد لقبی می‌دهند.

1- قمر بنی‌هاشم: حضرت عباس با رخسار نیکو و تلالو چهره، یکی از آیات کمال و جمال به شمار می‌رفت، لذا او را قمر بنی‌هاشم لقب داده بودند. در حقیقت نه تنها قمر خاندان گرامی علوی بود، بلکه قمری درخشان در جهان اسلام به شمار می‌رفت که بر راه شهادت پرتو افشانی می‌کرد و مقاصد آن‌را برای همه مسلمانان آشکار می‌کرد.

2- سقا: از بزرگ‌ترین و بهترین القاب حضرت که بیش از دیگر القاب مورد علاقه‌اش بود، سقا است. پس از بستن راه آب‌رسانی به تشنگان اهل بیت(ع) به وسیله نیروهای فرزند مرجانه، جهت از پا درآوردن فرزندان رسول خدا(ص) قهرمان اسلام بارها صفوف دشمن را شکافت و خود را به فرات رساند و تشنگان اهل بیت(ع) و اصحاب امام را سیراب کرد.

3- قهرمان علقمه: «علقمه» نام رودی بود که حضرت بر کناره آن به شهادت رسید و به وسیله صفوف به هم فشرده سپاه فرزند مرجانه، محافظت می‌شد تا کسی از یاران حضرت اباعبدالله را یاری دستیابی به آب نباشد و همراهان امام و اهل بیت(ع) ایشان تشنه بمانند. حضرت عباس با عزمی نیرومند و قهرمانی بی‌نظیر خود توانست بارها به نگهبانان پلید علقمی حمله کند، آنان را درهم شکند و متواری سازد و پس از برداشتن آب، سربلند باز گردد. در آخرین بار حضرت در کنار همین رود به شهادت رسید، لذا او را «قهرمان علقمه» لقب دادند.

4- پرچمدار: از القاب مشهور حضرت، پرچمدار (حامل‌الواء) است؛ زیرا ایشان ارزنده‌ترین پرچم‌ها؛ پرچم پدر آزادگان؛ امام حسین(ع) را در دست داشتند. حضرت به دلیل مشاهده توانایی‌های نظامی فوق‌العاده در برابر خود، پرچم را تنها به ایشان سپردند و از میان اهل بیت(ع) و اصحاب، او را نامزد این مقام کردند؛ زیرا در آن هنگام سپردن پرچم سپاه از بزرگ‌ترین مقام‌های حساس در سپاه به شمار می‌رفت و تنها دلاوران و کارآمدان، بدین امتیاز مفتخر می‌گشتند. حضرت عباس(ع) نیز پرچم را با دستانی پولادین بر فراز سر برادر بزرگوارش به اهتزاز درآورد و از هنگام خروج از مدینه تا کربلا همچنان در دست داشت. پرچم از دست حضرت به زمین نیفتاد مگر پس از آنکه دو دست خود را فدا کرد و در کنار رود علقمه به خاک افتاد.

5- کبش‌الکتیبه: لقبی است که به بالاترین رده فرماندهی سپاه به سبب حسن تدبیر و دلاوری که از خود نشان می‌دهد و نیروهای تحت امر خود را حفظ می‌کند، داده می‌شود. این نشان دلیری، به دلیل رشادت بی‌مانند حضرت عباس(ع) در روز عاشورا و حمایت بی‌دریغ از لشکر امام حسین(ع) به او داده شده است. ابوالفضل در این روز، نیرویی کوبنده در سپاه برادر و صاعقه‌ای هولناک بر دشمنان اسلام و پیروان باطل بود.

6- سپهسالار: لقبی است که به بزرگ‌ترین شخصیت فرماندهی و ستاد نظامی داده می‌شود و حضرت را به سبب آنکه فرمانده نیروهای مسلح برادر در روز عاشورا بود و رهبری نظامی لشکر امام(ع) را بر عهده داشت، این گونه لقب داده‌اند.

7- حامی بانوان: از القاب مشهور حضرت ابوالفضل «حامی بانوان» (حامی‌الطعینه) است. «سیدجعفر حلی» در قصیده استوار و زیبای خود در سوگ حضرت به این نکته چنین اشاره می‌کند: «حامی الطعینه کجا، ربیعه کجا، پدر حامی الطعینه، امام متقیان کجا و مکدم کجا». به دلیل نقش حساس حضرت در حمایت از بانوان حرم و اهل بیت نبوت، چنین لقبی به حضرت داده شده است. ایشان تمام تلاش خود را مصروف بانوان رسالت و مخدرات اهل بیت(ع) کرد و فرود آوردن از هودج‌ها یا سوار کردن به آن‌ها را به عهده داشت و در طی سفر به کربلا این وظیفه دشوار را به‌خوبی انجام داد.

8- باب الحوائج: یکی از مشهورترین و آشناترین لقب‌های ابوالفضل(ع) در میان مردم باب الحوائج است.

آن‌ان به این مطلب یقین دارند که دردمند و نیازمندی قصد حضرت را نمی‌کند، مگر آنکه خداوند حاجت او را بر آورده و درد و اندوهش را برطرف می‌سازد و گره مشکلات او را می‌گشاید. پسر «محمد حسین» نیز قصد در خانه حضرت کرد و رفع مشکلاتش را از او خواستار شد که دعایش برآورده شد و خداوند رنج و اندوهش را برطرف ساخت.

ابوالفضل نسیمی از رحمت‌های الهی، در رحمتی از درهایش و وسیله‌ای از وسایل اوست و او را نزد خداوند منزلتی والاست. این موقعیت نتیجه جهاد خالصانه در راه خدا و دفاع از آرمان‌ها و اعتقادات اسلامی و پشتیبانی از سالار شهیدان در سخت‌ترین شرایط است. دفاع از ریحانه رسول خدا تا آخرین مرحله و جانبازی در راه اهداف مقدسش. این‌ها برخی از لقب‌های حضرت است که ویژگی‌های شخصیت بزرگ و صفات نیک و مکارم اخلاق او را بازگو می‌کند.*

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ